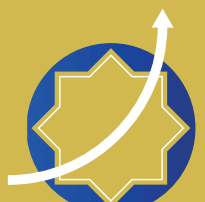


دیدهبان منطقه



شماره هفتم

مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل



الله الرحمن الرحيم

فهرست

- ۶ توافق مکه از ایده تا اجرا؛ بازدارندگی، نهادسازی و معماری جدید امنیتی
- ۷ اسرائیل کنسولگری بریتانیا در قدس شرقی را می‌بندد
- ۹ اتحادیه اروپا باید با شهرک‌های اسرائیلی همانند کریمه تحت اشغال روسیه برخورد کند
- ۱۰ آیا اسرائیل می‌تواند به مسیرهای جدید نفتی سوریه متصل شود؟
- ۱۲ برخی اقدامات رژیم در سوریه ممکن است مصداق جنایت جنگی باشد
- ۱۳ اکتبر اسرائیل و لبنان در رم دیدار خواهند کرد

فهرست

۱۴

جوزف عون رئیس جمهور لبنان: مذاکرات
جدیدی با اسرائیل انجام نمی شود

۱۶

دو پیامد کلیدی سفر شی جین پینگ به مصر

۱۷

عادی سازی در جامعه ی کردی : نشست روابط
یهودیان و کردها برگزار شد

۱۸

دیده بان : تحلیل کلی منطقه

سخن سردبیر

تحولات غرب آسیا اکنون وارد مرحله‌ای شده است که در آن، فاصله میان «برتری میدانی» و «توان تثبیت سیاسی» بیش از هر زمان دیگری خودنمایی می‌کند. اگر در شماره پیشین از آغاز بازاریابی ژئوپلیتیکی سخن گفتیم، آنچه در این شماره (شماره هفتم) پیش روی خواننده قرار دارد، نشانه‌های آشکار از «بحران تثبیت» در پروژه‌های تحمیلی واشنگتن و تل‌آویو است. ماشین نظامی رژیم صهیونیستی و حمایت همه‌جانبه آمریکا اگرچه توانسته‌اند ضربات تاکتیکی سنگینی وارد آورند و موازنه‌های خرد را در جغرافیای پیرامونی خود متزلزل سازند، اما عبور از این دستاوردها و ترجمه آن‌ها به یک «معماری امنیتی پایدار» روزه‌روز ناممکن‌تر به نظر می‌رسد. منطقه وارد وضعیتی شده است که در آن، هر گام برای تحمیل یک‌جانبه نظم، گره‌های امنیتی و سیاسی تازه‌تری تولید می‌کند.

در صحنه سوریه، پیچیدگی موازنه وارد فاز عمیق‌تری شده است. تلاش‌های تل‌آویو برای بهره‌برداری از وضعیت پساجنگ و تعریف خطوط حائل جدید در جنوب، نه تنها با انسجام بخشی تدریجی ساختار دولت دمشق و مقاومت محلی اصطکاک پیدا کرده، بلکه در شبکه درهم‌تنیده‌ای از منافع آنکارا، مسکو و تهران گرفتار شده است. پرونده شمال و شرق سوریه نیز نشان می‌دهد که طرح‌های تجزیه غیررسمی یا پیوند زدن آینده این جغرافیا به اهرم‌های خارجی، با سدهای هویتی و امنیتی جدی روبه‌روست. سوریه نه تنها به حوزه تثبیت شده نفوذ رژیم بدل نگشته، بلکه صحنه‌ای برای سنجش تاب‌آوری پیوندهای منطقه‌ای در برابر طراحی‌های مداخله‌گرایانه بیرونی باقی مانده است.

در لبنان و عراق، اصرار بر کلیدواژه «انحصار سلاح» و تقلیل مسئله مقاومت به یک چالش بوروکراتیک و حقوقی، همچنان با واقعیتی به نام «عمق اجتماعی و هویتی مقاومت» برخورد کرده است. فشارها برای خلع سلاح یا حاشیه‌نشین کردن نیروهای مقاومت، بیش از آنکه موجب تقویت اقتدار ملی در بیروت یا بغداد شود، به آشکار شدن نیت واقعی طراحان آن برای تضعیف حاکمیت دفاعی این کشورها در برابر تجاوزات آتی رژیم دامن زده است. تداوم تنش‌ها در مرزهای جنوبی لبنان و استمرار موضع اصولی مقاومت در عراق نشان می‌دهد که ساختارهای دفاعی و مردمی منطقه، حتی در میانه شدیدترین جنگ‌های شناختی و فشارهای اقتصادی، کارکرد بازدارندگی خود را واگذار نخواهند کرد.

در فلسطین و به‌ویژه غزه و کرانه باختری، فرسایش راهبرد صهیونیستی وضوح بیشتری یافته است. تبدیل پیروزی نظامی به دستاورد سیاسی، همچنان مفقودترین حلقه در رفتار سران تل‌آویو است. تلاش‌ها برای



کوچاندن خاموش، محاصره پایدار، و ایجاد ساختارهای مدیریتی دست‌نشانده در غزه نه تنها به انقیاد ملت فلسطین نینجامیده، بلکه گسل‌های حقوقی و دیپلماتیک رژیم با جهان را عمیق‌تر کرده است. افزایش بی‌سابقه انزوای بین‌المللی، فرسایش هنجارهای حمایتی در میان افکار عمومی غرب، و تشدید رویارویی‌های میدانی در کرانه باختری، نشان می‌دهد که هزینه نگهداری سرزمین‌های اشغالی به سطحی بی‌سابقه صعود کرده است؛ هزینه‌ای که دیگر صرفاً با چتر حمایتی واشنگتن جبران‌پذیر نیست.

در عرصه اقتصاد سیاسی و کریدورها نیز توهم نظم‌سازی یک‌سویه رنگ باخته است. طرح‌هایی که پیش‌تر با اتکا به مفهوم «ادغام اقتصادی منهای حل مسئله فلسطین» از خطوط انرژی و پیوندهای ترانزیتی گرفته تا پروژه‌های فرامنطقه‌ای به عنوان آینده اجتناب‌ناپذیر منطقه معرفی می‌شدند، اکنون با دیوار سخت واقعیت‌های ژئوپلیتیکی مواجه شده‌اند. کشورهای منطقه دریافته‌اند که ثبات اقتصادی در فقدان موازنه عادلانه امنیتی، سرابی بیش نیست. همگرایی‌های محتاطانه منطقه‌ای، تقویت مسیرهای جایگزین و تعمیق روابط با بلوک‌های غیرغربی، گویای آن است که حاکمان غرب آسیا ناچارند میان وابستگی پرهزینه به مدار امنیتی غرب و بازیگری مستقل در محیط چندقطبی، دست به موازنه‌سازی‌های جدید بزنند.

شماره هفتم را باید در امتداد این خوانش انتقادی مرور کرد؛ گذار از دوره توهم «حذف مقاومت» به دوره «فرسایش ظرفیت تثبیت غرب». مقاومت علی‌رغم هزینه‌های سنگین و فرسایشی که متحمل شده، توانسته است منطق تحمیل یک‌جانبه را در گلوگاه‌های حساس متوقف سازد و نشان دهد که هیچ نظامی بدون در نظر گرفتن حقوق بنیادین ملت‌های منطقه و توازن واقعی قوا دوام نخواهد آورد. مقالات و گزارش‌های این شماره، تلاشی روشمند برای فهم لایه‌های پنهان این ایستادگی، شناخت گسست‌های درونی جبهه متقابل و رصد نشانه‌های نظامی است که نه در اتاق‌های دربسته واشنگتن و تل‌آویو، بلکه در متن مقاومت میدانی و اراده بومی غرب آسیا در حال تکوین است.



♦ توافق مکه از ایده تا اجرا؛ بازدارندگی، نهادسازی و معماری جدید امنیتی

توافق دفاعی مکه میان ترکیه، عربستان و پاکستان که در ۷ اوت امضا شده بود، در هفته جاری از مرحله اعلام سیاسی به سمت نهادسازی عملی حرکت کرده است. وزرای خارجه و دفاع و فرماندهان نظامی سه کشور در استانبول دیدار کرده‌اند و قرار شده دبیرخانه دائمی توافق در عربستان ایجاد شود. نکته بسیار مهم‌تر، توافق برای همکاری صنایع دفاعی، توسعه فناوری و تولید مشترک است. بنابراین موضوع صرفاً یک بیانیه سیاسی نیست و می‌تواند در آینده به زنجیره‌ای از همکاری‌های دفاعی-فناورانه منجر شود. نباید این پیمان را فعلاً ناتوی اسلامی دانست؛ اما در عین حال ظرفیت آن برای شکل دادن به یک معماری امنیتی از شرق مدیترانه تا جنوب آسیا را جدی می‌داند. نکته مهم برای اسرائیل این است که این سازوکار می‌تواند نوعی بازدارندگی منطقه‌ای مستقل از آمریکا ایجاد کند و دست کشورهای منطقه را در برابر اقدامات اسرائیل یا حتی ایران بازتر کند.



منبع: مرکز مطالعات استراتژیک الجزیره تاریخ: ۱۸ شهریور ۱۴۰۵

برچسب: ناتوی اسلامی، بازدارندگی منطقه‌ای و صنایع دفاعی

تحلیل

اگر این روند تثبیت شود، یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن برای راهبرد رژیم، کاهش امکان اتکای رژیم به این فرض است که امنیت منطقه نهایتاً از طریق شبکه‌ای تحت مدیریت آمریکا و با محوریت رژیم سازمان‌دهی خواهد شد. حتی اگر ترکیه، عربستان و پاکستان در عمل متحد محور مقاومت نشوند، خودکفایی امنیتی منطقه‌ای می‌تواند فضای مانور رژیم و آمریکا را محدود کند. قوت مهم این روند برای محور مقاومت در این است که مسئله امنیت منطقه را از انحصار ائتلاف آمریکا-رژیم خارج می‌کند؛ البته هنوز بسیار زود است که آن را پیروزی مستقیم محور مقاومت بدانیم.



اسرائیل پس از ممنوعیت واردات محصولات شهرک‌ها توسط بریتانیا، فرانسه و کانادا، کنسولگری بریتانیا در قدس شرقی را می‌بندد

این احتمالاً مهم‌ترین تحول هفته در حوزه تحریم و فشار بین‌المللی علیه اسرائیل است. بریتانیا، فرانسه و کانادا اعلام کرده‌اند که واردات کالاهای تولیدشده در شهرک‌های اسرائیلی کرانه باختری را محدود/ممنوع خواهند کرد. هم‌زمان ۹ کشور دیگر - از جمله اسپانیا، نروژ، دانمارک، سوئد، ایرلند، لهستان و پرتغال - اعلام کرده‌اند که در حال بررسی یا حمایت از اقدامات مشابه هستند.

اهمیت اقدام فقط در حجم اقتصادی آن نیست؛ کالاهای شهرک‌ها سهم بسیار کوچکی از صادرات اسرائیل دارند و بنابراین ضربه مستقیم اقتصادی محدود است. اهمیت اصلی سیاسی و حقوقی است: کشورهای غربی که سال‌ها سیاست شهرک‌سازی را محکوم می‌کردند، اکنون بخشی از این محکومیت را به ابزار اقتصادی تبدیل می‌کنند. بریتانیا همچنین اعلام کرده علیه افراد و شرکت‌هایی که در ساخت‌وساز، تأمین مالی، زیرساخت و توسعه شهرک‌ها نقش دارند تحریم‌هایی اعمال خواهد کرد. اسرائیل نیز در واکنش، از بستن کنسولگری بریتانیا در قدس شرقی و اخراج/محدود کردن برخی مقامات بریتانیایی خبر داده است.

آمریکا همراه این روند نشده است. مارکو روبریو صراحتاً گفته واشنگتن قصد ندارد همانند بریتانیا عمل کند و تحریم‌های تجاری مشابه اعمال کند. در نتیجه یک شکاف جدی میان واشنگتن و بخش‌هایی از اروپا در حال آشکار شدن است.



تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

منبع: رویترز

برچسب: کنسولگری بریتانیا، شهرک‌سازی و تحریم‌های تجاری



تحلیل

این تحول مهم است زیرا مسئله فلسطین را از سطح درگیری رژیم و فلسطین به سطح بحران مشروعیت بین المللی سیاست های رژیم منتقل می کند. اگر تحریم های محدود فعلی به شرکت های ساختمانی، بانک ها، صندوق های سرمایه گذاری، فناوری و تجهیزات مورد استفاده در شهرک ها گسترش پیدا کند، فشار اقتصادی واقعی تر خواهد شد. مهم تر از مبلغ تحریم، شکستن تدریجی اجماع غربی پیرامون مصونیت رژیم است؛ یعنی حتی اگر آمریکا همچنان پشتیبان اصلی رژیم بماند، وحدت غرب در قبال رژیم در حال ترک خوردن است.



♦ اتحادیه اروپا باید با شهرک‌های اسرائیلی همانند کریمه تحت اشغال روسیه برخورد کند

در ۱۴ سپتامبر، کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، از این ایده دفاع کرد که اروپا باید همان رویکردی را که در برابر کالاهای تولیدشده در کریمه اتخاذ کرده، درباره کالاهای شهرک‌های اسرائیلی نیز اعمال کند. او استدلال کرده که اگر اروپا اشغال کریمه را غیرقانونی می‌داند و تجارت با آن را محدود می‌کند، باید درباره سرزمین‌های اشغالی فلسطین نیز رویکرد مشابهی داشته باشد.

البته این هنوز به معنای تصویب تحریم اتحادیه اروپا نیست. مشکل اصلی، اختلاف میان کشورهای عضو است؛ از جمله آلمان، مجارستان، جمهوری چک و اسلوونی که با تحریم اسرائیل مخالفت دارند. اما نکته مهم این است که اکنون بحث دیگر صرفاً در پارلمان‌های کشورهای اروپایی نیست و در سطح بالای سیاست خارجی اتحادیه اروپا مطرح شده است.



تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۴۰۵

منبع: آذر نیوز

برچسب: شهرک‌سازی، اتحادیه اروپا و سرزمین‌های اشغالی

تحلیل

اگر این موضع به سیاست رسمی اتحادیه تبدیل شود، یک ضربه جدی به استراتژی رژیم برای عادی‌سازی وضعیت اشغال خواهد بود. محور مقاومت می‌تواند از این شکاف برای تبدیل مسئله فلسطین به مسئله‌ای درباره نظم حقوقی بین‌المللی و استانداردهای دوگانه غرب استفاده کند. نقطه قوت اینجا نظامی نیست؛ نبرد مشروعیت و حقوق بین‌الملل است.



♦ آیا اسرائیل می تواند به مسیرهای جدید نفتی سوریه متصل شود؟

سوریه در حال احیای برنامه هایی برای خطوط لوله بزرگ نفتی است که عراق و دیگر تولیدکنندگان نفت خلیج فارس را به دریای مدیترانه متصل می کند. در نگاه اول، چنین پروژه هایی ممکن است رقیب جاه طلبی های اسرائیل برای تبدیل شدن به حلقه ای مهم در کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) به نظر برسند، اما این فرض گمراه کننده است. در حالی که پروژه های راه آهن و بزرگراهی به طور طبیعی برای مسیرهای حمل و نقل بار با یکدیگر رقابت می کنند، خطوط لوله انرژی منطق متفاوتی دارند.

پرسش مفیدتر این است که اسرائیل چگونه می تواند دسترسی یا اتصال آینده به شبکه منطقه ای نفتی در حال شکل گیری پیرامون خود را تضمین کند. گزینه ها ممکن است شامل اتصال فیزیکی به خط لوله نفتی پیشنهادی عراق از طریق اردن، دسترسی به تحویل های مستقیم دریایی از بنیاس یا طرابلس به اشکلون، یا ترتیبات انرژی متقابل باشد که در آن گاز و برق اسرائیل به سوریه و لبنان جریان یابد و در مقابل اسرائیل به مسیرهای تأمین نفت در حال ظهور آن ها دسترسی پیدا کند. هدف این نیست که کریدورهای نفتی را مجبور به عبور از خاک اسرائیل کنیم، بلکه اطمینان حاصل کنیم که شبکه جدید نفتی منطقه ای کاملاً از اسرائیل عبور نکند.



تاریخ: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵

منبع: بگین سادات

برچسب: رژیم صهیونیستی، سوریه و نفت عراق



تحلیل

اندیشکده بگین سادات به طور ویژه مسئله‌ی اهتمام به سوریه و اتصال به پروژه‌های آیمک را دنبال می‌کند.

نکته‌ی اصلی این گزارش ایده انتقال نفت عراق به رژیم صهیونیستی است، مسئله‌ای که بارها در نشست‌های مختلف در خصوص آیمک مطرح شده بود و اشاره به اینکه کریدور می‌تواند در آینده عراق نیز در بر بگیرد پیش از این نیز وجود داشت، اما راه‌های اتصال آن از طریق اردن مطرح بوده است. طرح اتصال نفت عراق به رژیم از سوریه پس از بسته شدن تنگه‌ی هرمز و انتقال نفت عراق از طریق بندر بانیا س مطرح شده است.

این طرح نیز همچون دیگر طرح‌های اندیشکده بگین سادات همچون اتصال برق رژیم به سوریه و فروش گاز از طریق واسطه‌ها، قرار می‌گیرد و باید به آن به عنوان یک بسته اقتصادی نگاه نمود. ایجاد حساسیت رسانه‌ای در خصوص نفت انتقال یافته به سوریه و احتمال فروش و یا انتقال آن به رژیم می‌تواند هزینه سیاسی این اقدام را برای سوریه و یا رژیم صهیونیستی بالا ببرد. این طرح پیش از طرح‌های اتصال برق و یا گاز دارای اهمیت است. چرا که در صورت اتصال نفت عراق به رژیم با واسطه‌ی سوریه، این امکان برای رژیم صهیونیستی فراهم می‌شود که تبدیل به هاب صادرات نفتی منطقه غرب آسیا به اروپا گردد.



برخی اقدامات رژیم در سوریه ممکن است مصداق جنایت جنگی باشد

کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل درباره سوریه نسبت به حضور نظامی اسرائیل در جنوب سوریه هشدار داده است. طبق گزارش، عملیات اسرائیل از حملات مقطعی فراتر رفته و شامل گشت زنی، یورش، ایجاد ایست‌های بازرسی و زیرساخت نظامی و بازداشت افراد در خاک سوریه شده است. کمیسیون همچنین از ۴۹ سوری، از جمله دو کودک، نام برده که توسط ارتش اسرائیل در خاک سوریه بازداشت شده‌اند و برخی به اسرائیل منتقل شده‌اند. اسرائیل می‌گوید حضورش موقتی و برای حفاظت از امنیت اسرائیل است؛ اما کمیسیون سازمان ملل حضور اسرائیل را در بخش‌هایی از جنوب سوریه اشغال توصیف کرده و نسبت به نقض حاکمیت سوریه و توافق ۱۹۷۴ هشدار داده است.



تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

منبع: رویترز

برچسب: سازمان ملل، سوریه، توافق ۱۹۷۴

تحلیل

این تحول نشان می‌دهد راهبرد رژیم برای ایجاد عمق امنیتی در سوریه می‌تواند به یک هزینه حقوقی و سیاسی فزاینده تبدیل شود. برای محور مقاومت، مسئله مهم این است که سوریه می‌تواند به نقطه اتصال دوباره منازعه رژیم با محیط پیرامونی تبدیل شود. حتی اگر توان نظامی محور مقاومت در سوریه کاهش یافته باشد، تبدیل حضور رژیم به مسئله حاکمیت سوریه، می‌تواند مشروعیت منطقه‌ای آن را فرسایش دهد.



اسرائیل و لبنان در اکتبر در رم دیدار خواهند کرد

مذاکرات اسرائیل و لبنان که با میانجیگری آمریکا انجام می‌شود، قرار است در اکتبر دوباره در رم ادامه پیدا کند. دور قبلی در اوت بدون توافق درباره مسائل سرزمینی پایان یافت. در حال حاضر اسرائیل یک منطقه حائل حدود ۱۰ کیلومتری در داخل خاک لبنان را تحت کنترل دارد و از آن به عنوان اقدام امنیتی برای جلوگیری از حملات حزب الله دفاع می‌کند.

اهمیت مذاکرات برای تو در این است که مسئله لبنان فقط «آتش بس» نیست؛ بلکه عملاً بحث بر سر آینده وضعیت امنیتی جنوب لبنان، سلاح حزب الله، حاکمیت دولت لبنان و رابطه لبنان با اسرائیل است. واشنگتن نیز توافق امنیتی را ابزاری برای بازگرداندن حاکمیت لبنان و تضمین امنیت اسرائیل معرفی می‌کند.



تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۴۰۵

منبع: رویترز

برچسب: منطقه حائل، واشنگتن و جنوب لبنان

تحلیل

نقطه حساس اینجاست که اگر مذاکرات به خلع سلاح حزب الله در مقابل امتیازات امنیتی محدود رژیم تبدیل شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین پروژه‌های نظم جدید منطقه باشد. اما از طرف دیگر، ادامه حضور رژیم در خاک لبنان به عنوان منطقه حائل می‌تواند استدلال مقاومت را تقویت کند که خلع سلاح بدون پایان اشغال و تضمین حاکمیت لبنان منطقی نیست. بنابراین تناقض اصلی پروژه آمریکا این است که می‌خواهد همزمان مقاومت را خلع سلاح و رژیم را ضامن امنیت معرفی کند.



♦ جوزف عون رئیس جمهور لبنان: مذاکرات جدیدی با اسرائیل انجام نمی شود

در یک سفر غیرمنتظره به شهر نبطیه، رئیس جمهور جوزف عون اعلام کرد که «در حال حاضر هیچ مذاکره جدیدی با اسرائیل انجام نخواهد شد» و تأکید کرد که «خروج اسرائیل، بازگشت اسرا و آوارگان و بازسازی، از اصول ثابت ملی هستند که دولت متعهد به اجرای آنها است.»

خبرگزاری آکسیوس به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که مذاکرات بین اسرائیل و لبنان که قرار بود هفته آینده در رم برگزار شود، به تعویق افتاده است.

این وبسایت به نقل از یک منبع اعلام کرد که این مذاکرات در ماه اکتبر برگزار خواهد شد. این وبسایت افزود که اعیاد یهودی، کنفرانس پاریس و آماده سازی ها برای مجمع عمومی سازمان ملل مانع از برگزاری نشست شرکت کنندگان در رم شده است.

به گزارش اکسیوس، قرار است سفرای لبنان و اسرائیل در واشنگتن با یکدیگر دیدار کنند.



تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۴۰۵

منبع: روزنامه الاخبار لبنان

برچسب: رژیم صهیونیستی، مذاکرات، لبنان و جوزف عون

تحلیل

حملات رژیم صهیونیستی به ارتفاعات «علی الطاهر» و انتشار تصاویر انفجار آن، مسیر سیاسی توافقات با رژیم صهیونیستی را برای دولت لبنان دشوار نموده است. هم اکنون وضعیت توافق و اجرای آن در مرحله ی مناطق آزمایشی باقی مانده است. علیرغم موضع فعلی جوزف عون در خصوص مذاکرات، بنظر نمی رسد دیدار با طرف صهیونیستی متوقف گردد.



♦ امارات، صادرات انرژی ما گروگان جنگ ایران نخواهد شد

امارات در حال توسعه مسیرهای جایگزین صادرات انرژی و تجارت است تا وابستگی خود را به تنگه هرمز کاهش دهد. مقام اماراتی از توسعه ظرفیت بنادر، خطوط لوله، راه آهن و کریدورهای جایگزین سخن گفته است. این مسئله از منظر اقتصادی بسیار مهم است، زیرا جنگ منطقه ای عملاً کشورهای خلیج فارس را وادار کرده اند درباره آسیب پذیری زیرساخت های حیاتی خود بازنگری کنند.

این تحول همچنین با پروژه های قدیمی تر مثل کریدور هند-خاورمیانه-اروپا و تلاش کشورهای خلیج فارس برای تبدیل شدن به مراکز ترانزیت و انرژی ارتباط پیدا می کند. در واقع جنگ باعث شده «زیرساخت ژئوپلیتیک» به اندازه نیروی نظامی اهمیت پیدا کند.



تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

منبع: رویترز

برچسب: امارات، ایران و انرژی

تحلیل

یک پیام مهم برای محور مقاومت این است که حتی قدرت های نزدیک به آمریکا و رژیم نیز متوجه شده اند که امنیت زیرساختی منطقه را نمی توان صرفاً با حضور نظامی آمریکا تأمین کرد. در نتیجه جنگ به طور ناخواسته کشورهای عربی را به سمت سرمایه گذاری بیشتر در استقلال زیرساختی و کریدورهای جایگزین سوق می دهد.



♦ دو پیامد کلیدی سفر شی جین پینگ به مصر

سفر شی جین پینگ به مصر بسیار مهم است، چون صرفاً یک دیدار نمادین نبود. چین و مصر ۲۵ توافق در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، فناوری، امنیتی و نظامی امضا کردند و قرار شده پیوند میان Vision ۲۰۳۰ مصر و ابتکار کمربند و جاده افزایش پیدا کند. همچنین توسعه منطقه اقتصادی چین-مصر در اطراف کانال سوئز مطرح شده است. از طرف دیگر، دو کشور در چارچوب بریکس بر افزایش تجارت با ارزشهای محلی تأکید کرده‌اند. چین و مصر همچنین همکاری نظامی را افزایش داده‌اند و رزمایش مشترک هوایی انجام داده‌اند. با این حال، نکته بسیار مهم این است که مصر قصد ندارد رابطه با آمریکا را کنار بگذارد؛ بلکه در حال تنوع بخشی به شرکای خود است.



تاریخ: ۱۲ شهریور ۱۴۰۵

منبع: کارنگی

برچسب: مصر، چین و تنوع بخشی

تحلیل

این تحول برای فهم افول تدریجی انحصار غرب اهمیت زیادی دارد. مصر یکی از مهم‌ترین کشورهای عربی و شریک امنیتی قدیمی آمریکا است، اما همزمان در حال گسترش روابط اقتصادی، فناوری و نظامی با چین است. این دقیقاً همان روندی است که می‌توان آن را حرکت از نظم تک قطبی به موازنه چند قطبی در منطقه دانست. این الزاماً به معنای پیوستن مصر به محور مقاومت نیست، اما فضای مانور آمریکا را کاهش می‌دهد.



◆ عادی سازی در جامعه ی کردی : نشست روابط یهودیان و کردها برگزار شد

این کنفرانس با عنوان «روابط یهودیان و کردها در خاورمیانه در حال تغییر» توسط شبکه یهودیان کرد سازماندهی و با همکاری مرکز مطالعات یهودستیزی معاصر لندن و برنامه مطالعات کردی در مرکز موشه دایان دانشگاه تل آویو برگزار شد.

شرکت کنندگان در هفت پنل و یک میزگرد پایانی، جنبش های ملی کردها و یهودیان، میراث مشترک، سیاست غرب در خاورمیانه، نسل کشی و حافظه جمعی، رهبری زنان، هویت مهاجران و نقش نسل بعدی را بررسی کردند. گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه اسرائیل، در پیامی ضبط شده در این کنفرانس سخنرانی کرد و رابطه یهودیان و کردها را دوستی دیرینه بین دو اقلیت خاورمیانه توصیف کرد.

هیئتی به ریاست فریال کلارک، نماینده مجلس بریتانیا، به بررسی نظم منطقه ای در حال تغییر و سیاست غرب در قبال اسرائیل و کردها پرداخت. وی تاکید کرد: «بدون اتحاد مردم کرد، ما نه به خودمختاری، نه به آزادی و نه به دولت خودمان دست خواهیم یافت. قبل از اینکه از دیگران کمک بخواهیم، باید به خودمان کمک کنیم.»

منبع: ۱۲۴

تاریخ: ۱۷ شهریور ۱۴۰۵



برچسب: رژیم صهیونیستی، اقلیم کردستان و کردها

تحلیل

رژیم صهیونیستی در موسسه های فکری آن همچون «موشه دایان» سعی دارند با برگزاری این نشست ها اولاً ارتباط با نخبگان کردی را حفظ نمایند و زمینه را برای عادی سازی در جامعه فراهم نمایند. در سطحی بالاتر ایجاد یک زمینه ی مشترک تاریخی و یا به عبارتی دقیق روند تاریخی متشابه موجب نزدیکی بیشتر دو طرف خواهد شد. تاکید حضار جلسه بر اینکه کردها یک «ملت اشغال» شده هستند نه یک «ملت بی دولت» بر همین مبنی است. رژیم صهیونیستی سعی دارد انگیزه های پاپ کردی جامعه کردی منطقه را برانگیزد و از این ظرفیت به منظور پیشبرد پروژه عادی سازی استفاده نماید. حضور نمایندگانی از احزاب کردی در جلسه نیز گویای تلاش احزاب کردی به منظور هماهنگی بیشتر با رژیم صهیونیستی دارد.



دیده بان: تحلیل کلی وقایع منطقه

غرب آسیا در سپتامبر ۲۰۲۶ وارد مرحله‌ای شده است که در آن، شکاف میان توان تخریب نظامی ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی و عجز آن‌ها از تثبیت یک معماری سیاسی پایدار به اوج رسیده است. واشنگتن و تل‌آویو با استمرار تجاوزات سرزمینی، فشار برای خلع سلاح بازیگران بومی و طراحی کریدورهای اقتصادی فرمایشی کوشیدند. نظامی تک‌پایه و صهیونیست‌محور را بر منطقه تحمیل کنند؛ اما شواهد میدانی و دیپلماتیک نشان می‌دهد که این پروژه هژمونیک با بحران‌های بنیادین مواجه شده و منطق بازدارندگی و مقاومت در حال تحمیل الزامات خود به نظم آینده است.

نخستین نشانه این بن‌بست، فروپاشی اجماع سنتی غرب در حمایت بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی است. تصمیم بریتانیا، فرانسه و کانادا در ممنوعیت واردات کالاهای شهرک‌های اشغالی و همراهی ۱۲ کشور با این روند، در کنار موضع‌گیری کم‌سابقه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مبنی بر هم‌تراز دانستن اشغالگری تل‌آویو با وضعیت کریمه، نشان می‌دهد که نبرد مشروعیت به زیان صهیونیست‌ها تغییر کرده است. این تحول همراه با گزارش کمیسیون تحقیق سازمان ملل درباره احتمال وقوع جنایات جنگی توسط رژیم در جنوب سوریه، حصار مصونیت راهبردی تل‌آویو را شکسته و واشنگتن را به دلیل حمایت کورکورانه از متحدش در انزوای دیپلماتیک قرار داده است.

در حوزه شامات، استراتژی آمریکا و رژیم برای معامله «تثبیت اشغال در برابر خلع سلاح مقاومت» در لبنان و سوریه با انسداد روبه‌رو شده است. تعویق مذاکرات امنیتی و تأکید بیروت بر ضرورت خروج اشغالگران و آزادسازی اسرا، اثبات می‌کند که تلاش واشنگتن برای خلع سلاح حزب‌الله در شرایطی که ارتش صهیونیستی یک منطقه حائل ۱۰ کیلومتری در خاک لبنان ایجاد کرده، دچار تناقض ساختاری است. تداوم اشغالگری دقیقاً حقانیت و ضرورت بقای سلاح مقاومت را به عنوان تنها تضمین دفاعی لبنان تثبیت می‌کند؛ واقعیتی که در سوریه نیز با هشدار نهادهای بین‌المللی نسبت به نقض توافق ۱۹۷۴ توسط رژیم پیوند خورده و مهار یک‌جانبه دمشق را ناممکن ساخته است.

در سطح امنیت منطقه‌ای، تلاش واشنگتن برای قرار دادن تل‌آویو در مرکز معماری امنیتی غرب آسیا شکست خورده و جای خود را به ابتکارات بومی داده است. عملیاتی شدن «توافق دفاعی مکه» میان ترکیه، عربستان و پاکستان و حرکت آن به سوی نهادسازی دائمی و تولید مشترک تسلیحات، پاسخی روشن به عدم قطعیت چتر حمایتی آمریکا



و ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی است. این روند اگرچه مستقیماً با مقاومت همسو نیست، اما انحصار آمریکا-اسرائیل بر ترتیبات امنیتی را می‌شکند و فضای مانور پیرامونی تل‌آویو را به شدت محدود می‌سازد.

هم‌زمان، تلاش بازیگران سنتی برای تنوع‌بخشی راهبردی، به هژمونی انحصاری واشنگتن ضربه زده است. سفر رهبر چین به قاهره و امضای ۲۵ توافق‌نامه کلان اقتصادی، نظامی و فناورانه بر محور کانال سوئز و تجارت با ارزهای محلی، نماد بارز حرکت غرب آسیا به سوی نظامی چندقطبی است. پیوند خوردن مصر به عنوان شریک راهبردی واشنگتن با بلوک‌های غیرغربی نظیر بریکس، عملاً توانایی ایالات متحده را برای مهندسی ترتیبات منطقه از بالا به پایین مسدود می‌کند و فضا را برای تنفس بازیگران مستقل و جبهه مقاومت بازتر می‌سازد.

در عرصه اقتصاد سیاسی و انرژی نیز توهّم صهیونیست‌ها برای تحقق «عادی‌سازی بدون حل مسئله فلسطین» رنگ باخته است. تحرکات اندیشکده‌های صهیونیستی برای طراحی اتصال به خطوط نفتی سوریه و عراق و احیای کریدور IMEC، بیش از آنکه نشانه اقتدار باشد، بیانگر هراس و اضطراب ژئواکونومیک تل‌آویو از انزوای ترانزیتی است. هم‌زمان، روی آوردن کشورهای چوّن امارات به بازآرایی شریان‌های انرژی نشان می‌دهد که منطقه دریافته است ثبات زیرساختی در مدار امنیتی آمریکا و همسایگی با رژیم متجاوز محقق نخواهد شد.

مجموع این تحولات تصویر روشنی از نظم آینده غرب آسیا به دست می‌دهد؛ نظامی که در آن تلاش آمریکا و اسرائیل برای دگرگون‌سازی جغرافیای سیاسی با دیوار بازدارندگی بومی برخورد کرده است. رژیم صهیونیستی نه تنها به هاب امنیتی یا اقتصادی منطقه بدل نشده، بلکه به یک کانون فرسایش و عامل بحران مشروعیت حتی برای شرکای غربی خود تبدیل شده است. در نقطه مقابل، مقاومت با تحمیل شکست به طرح‌های اشغال و خلع سلاح، ثابت کرده است که ثبات و اتصال منطقه‌ای تنها با پذیرش حقوق ملت‌ها و بر بستر موازنه قوایی پایدار شکل خواهد گرفت که محور مقاومت یکی از ارکان اصلی و تغییرناپذیر آن است.



ISA CENTER

International & Strategic
Analysis Center